مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ٣٤ | چهارشنبه ١٨ قوس ١٣٨٣ | ٢٦ شوال المکرم ١٤٢٥ - ٨ December ٢٠٠٤

سرمقاله

سوگند رئیس جمهور وتحمل رسمی مسؤولیت ها

ص٢

آنچه در برابر حکومت آینده قرار دارد

ص٦

رئیس جمهور منتخب افغانستان حلف وفاداری یاد کرد



حامد کرزی دیروز سه شنبه هفدهم قوس حوالی ساعت یازده و سی دقیقهٔ پیش از پیشین طی مراسم خاص حلف وفاداری یاد کرد.

طبق هدایت مادهٔ شصت و سوم قانون اساسی، رئیس جمهور قبل از اشغال وظیفه، باید سوگند وفاداری در مقابل ملت یاد کند.

در مراسمی که به همین مناسبت در سالن قصر سلام خانه برگزار گردیده بود، شخصیت های جهادی، مهمانان خارجی ، سفرای کشورهای بیرونی، قضات دادگاه عالی، نماینده ها و بزرگان اقوام مختلف افغانستان وعدهٔ زیادی از ژورنالیستان داخلی و خارجی اشتراک ورزیده بودند. ص٧

استاد رباني درادیو آزادی سره په مرکه کې:

زموږ ګوند دملي مصالحو لپاره هلي ځلي کوي

پوښتنه : په دې وروستیو کې داسې آوازې او کونګوسې خپاره شوي چې ګواکې جمعیت اسلامي ګوند په تاکنو له حامد کرزي نه ددې لپاره ملاتړ کړي چې په پارلمان کې لې غړي خوکې ترلاسه کړي. آیا دغه آوازې حقیقت لري او که نه؟

ځواب: د کرزي صاحب حمایت زمونږ له خوا شوي او دهغه فیصلې او تصمیم له مخې چې تقریباً څو میاشتې مخکې دمختلفو جهادي مشرانو یو بل سره پدې مسایلو باندې خبرې وکړې او بالآخره دې نتیجې ته ورسیدل چې داخل بیا به دحامد کرزي حمایت کوو. کله چې دمعاونیت په مساله کې څه تبدیلي راغله پدې کې دځه نوې تغیراتو به اساس دځینو ورونو په افکارو او تصمیمونو کې تغییر راغې، زما له خوا هغه تصمیم چې دهغه پر اساس مو دکرزي سره خبرې کړې په خپل ځاي پاتې شو نوري نوې خبرې یکې ٦ مخ

گزارشگر: واقف حکیمی

وما أرسلناك إلا رحمة للعالمين

هفتمین کنفرانس عمومی سازمان جهانی دعوت اسلامی برگزار شد

سازمان جهانی دعوت اسلامی (**جمعية الدعوة الإسلامية العالمية**) هفتمین کنفرانس عمومی خود را در شهر طرابلس مرکز کشور جماهیری لیبیا طی چهار روز از ٢٦ - ٢٩ نوامبر ٢٠٠٤ میلادی برابر با٥-٨ عقرب ١٣٨٣ خورشیدی زیر عنوان آیت قرآنی (وما أرسلناك إلا رحمه للعالمین) برگزار کرد.

در این کنفرانس دوصد وپنجاه سازمان ونهاد اسلامی، و شماری بزرگ از مفکران و دانشمندان ونمایندگانی از سازمان های مسیحی و سازمان ها ونهادهای جهانی ومنطقه یی و سازمان هایی از ص٣





طالبان درخواست زلمی خلیل زاد را رد کردند

زلمی خلیل زاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در کابل هفتهٔ گذشته از افراد مسلح وابسته به طالبان خواست تا سلاح های خود را به زمین بگذارند، در این صورت آنها می توانند به زندگی عادی باز گردند. آقای خلیل زاد که در اولین کنفرانس خبری پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان سخن می گفت ، سعی کرد تا وابستگان این گروه را به بازگشت به زندگی عادی و تحویل سلاح های شان به دولت تشویق کند. او از طالبان خواست تا به ستیز علیه دولت منتخب مردم افغانستان پایان دهند، به قانون اساسی کشور احترام بگذارند و به زندگی عادی باز گردند.

او گفت: اسلام، جنگ با یک حکومت مشروع ومردمی را مجاز نمی داند، کشتن افغانها توسط یکدیگر باید پایان یابد.

آقای خلیل زاد در مورد این که دولت افغانستان ویا مقامات امریکایی با نمایندگان گروه طالبان در حال مذاکره استند یا خیر ، چیزی نگفت. اما علاوه کرد که مخاطبان او آن عده جوانانی اند که در چوکات گروه طالبان سلاح برداشته اند وعلیه دولت فعالیت دارند.

بوش رئیس جمهور امریکا در ملاقاتی که هفتهٔ گذشته با پرویز مشرف ص٨

دولت جدید اولویت ها وموانع

ص٢

مجاهدین و تحصیلات عالی

ص٢

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲٦
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱٤ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

سوگند رئیس جمهور وتحمل رسمی مسؤولیت ها

مادهٔ شصت وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان حلفنامهٔ رئیس "جمهوری" را چنین بیان می کند: "به نام خداوند سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم، قانون اساسی وسایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم، از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست ومنافع مردم افغانستان را حفاظت کنم..."

در این راستا می سزد که چند نکتهٔ زیر را مورد توجه قرار دهیم:

دانشمندان سیاست به هر نحله یی چه دینی وغیر دینی انتساب دارند در مورد ضرورت بر قراری نهادی به نام حکومت و فلسفهٔ وجودی آن مطالبی را ابراز داشته اند که از جملهٔ آن ها می توان به دفع زیان های برخاسته از انارشیزم ولجام گسیختگی وتحقق عدالت اشارت کرد.

سعی وتلاش در راه تحقق دو اصل یاد شده در حقیقت باز گو کنندهٔ وجیبه زمامداری وحکومت مداری است.

آری! از آنجا که انسان آفریده یی است اجتماعی و یا به تعبیر ابن خلدون موجودی است "مدنی الطبع" نیاز او به سلطه یی که خود خواهی ها و افزون طلبی ها و غلبه جویی های افراد را در اجتماع مهار کند وعدالت را در میان توده ها جامهٔ تحقق بپوشاند، امری است انکار ناپذیر، موفقیت وعدم موفقیت هر نهادی را که به نام حکومت درمیان یک کتلهٔ انسانی عرض اندام می کند، در روشنایی همین امر می توان بررسی کرد. اکنون که ملت افغانستان با دادن قربانی هایی بی دریغ و فراوان درچند دههٔ اخیر از تاریخ سیاسی معاصر خویش، در مبارزه با نظام های خود کامه ودفع وطرد تجاوز واشغال، افتخاراتی را ثبت تاریخ نموده اند و در نهایت با مقاومت در برابر نظام طالبانی برخاسته از بستر منافع سیاسی واقتصادی قدرت های منطقه یی وجهانی، زمینه ساز تحولی شدند که قانون اساسی جدید پیامد آن شمرده می شود؛ وثیقه یی که در پایان دادن به خود کامگی ها و زورگویی ها واستبداد می تواند نقش مهمی را بازی نماید، چشم به داشتن یک چنین حکومتی دوخته اند.

این حکومت در پی انتخابات و رأی مردم به میان می آید و این رأی دهی وانتخابات را که دانشمندان عرصهٔ سیاست یک قرار داد سیاسی میان آحاد ملت و زمامدار یا رئیس جمهور، می دانند، طبعاً دو طرف دارد و هرکدام حقوق و وجایبی دارد که در فصل های دوم وسوم قانون اساسی مرز بندی وتعیین گردیده است.

اما در این جا دربارهٔ وجایب اساسی رئیس جمهور که محور اساسی این نوشته است باید تأکید کرد:

- اطاعت وحمایت از دین اسلام، و مواظبت از تطبیق آن وحراست از استقلال، حاکمیت ملی وتمامیت ارضی کشور بار بس سنگینی است بر شانهٔ رئیس جمهور منتخب این ملت.

- قبول مسؤولیت هایی بدین بزرگی و سنگینی قطعاً بازی بر نمی دارد. یقیناً رئیس جمهوری اسلامی افغانستان که مردم به او رأی دادند از مسؤولیت های خویش که برای تحقق آنها سوگند خورد، آگاهی کامل دارد.

- تأمین امنیت سرتاسری در کشورو قطع ریشه های بحران و بر قراری اعتماد میان مردم وحکومت همه و همه به این بستگی دارد که تاچه اندازه برای ادای مسؤولیت هایی که در راستای اجرای آنها سوگند یاد شده است متعهدانه عمل صورت می گیرد.

- تعیین اعضای حکومت جدید وتنظیم برنامه های بازسازی و توسعهٔ فرهنگ و سیاست واقتصاد ملی این سرزمین را باید در چهارچوب همین حلفنامه سر و سامان بخشید.

- حراست قاطعانه از استقلال و حاکمیت ملی وتمامیت ارضی و رسیدن به سعادت وترقی که در این حلفنامه تبلور یافته است به ایمان محکم وعمل صادقانهٔ رئیس جمهور منتخب و اعضای حکومت وگام های متعهدانهٔ آنان در ایفای این مسؤولیت های بزرگ پیوند دارد و در نهایت تحقق این همه آرمان ها به میزان ایمان وعمل صادقانهٔ زمامداران به مبادی و باورهایی بستگی دارد که این ملت را در درازای تاریخ به حیث یک ملت، زنده نگه داشته است.

دولت جدید اولویت ها وموانع

پوهندوی عبد العلی کوهی

دولت جدید در برابر چالش ها وموانع جدی قرار دارد تکنو کراتهای رفاه دیده، فرماندهان جهاد ومقاومت که عده یی از آنها بر شاهرگ های اقتصادی کشور تسلط دارند. ودر صف دیگر روشنفکران نو اندیش که شعار مدرنیته را سر داده اند در برابر هم قرار دارند، باید بپذیریم که جریان سنت ومحافظه کاری شعار مدرنیته وجریان روشنفکری در دولت جدید دست وپاگیر خواهد بود وحکومت نو هم از این سه طیف متشکل خواهد شد، زیرا جامعهٔ افغانستان را نمی توان یک شبه متحول کرد ونقش محافظه کار ان را در دولت کم رنگ ساخت. ایجاب می نماید که در حکومت جدید یک نوع توازن منطقی از این طیف ها در نظر گرفته شود. دنبال کردن سیاست ادارهٔ موقت وانتقالی نه تنها در آیندهٔ کشور کارسازنیست ، بلکه مشکل را دو چندان خواهد ساخت، قسمی که در ادارهٔ موقت وانتقالی بدنه های متضاد دور هم جمع گردیده بودند وبیشتر به دنبال منافع شخصی خویش بودند تا منافع عامه نمی شود آینده را به آن شیوه به پیش برد به طور قطع یکی از چالش های مهم در برابر حکومت نو ، بحران تقسیم قدرت در کشور است . به هر دلیلی که بود آقای کرزی جریان انتخابات را به نفع خود تغییر داد ، با وجود آن از سازش ها وائتلاف ها در تقسیم قدرت سخن گفته می شود. باید بین مشارکت ملی وائتلاف فرق گذاشت ، مردم افغانستان به آقای کرزی رأی نداده اند که بعد از پیروزی هر چه بخواهد انجام دهد ، نمی شود به وسیلهٔ انسان های بی خاصیت واستفاده جو جریان باز سازی را در کشور سرعت داد وبه زخم های خونچکان مردم التیام بخشید چیزی که مردم افغانستان را بیشتر رنج می دهد، عدم توجه به عناصر ملی در کشور است. در این روزها بسیاری از هموطنان ما که سال های طولانی در نازو نعمت به سربرده اند وحوادث کشور را با بی میلی تعقیب نموده اند، در مهمان خانه های ملل متحد ودولت به سر می برند وبه یقین کارهای عمده به آنها تفویض خواهد شد، تجربه نشان داد کسانی که بعد از سالها، دوری از کشور به پست های عالی رسیده بودند در هیچ عرصه از خود ابتکار نداشته اند. عده یی از آنها با تبختر وغرور با مردم وهمکاران خود سخن می گویند، مردم دیگر نمی توانند این حرکت ها را تحمل کنند، زیرا در دو ادارهٔ موقت وانتقالی بر اساس زمان بندی وبرنامه ریزی که در چارچوب توافقات بن به وجود آمده بود، اعضای حکومت از طیف های مختلف تشکیل گردیده بود، اما حکومت پس از انتخابات از چنین مجبوریت ها به دور است، فقط آنچه حکومت جدید را مشروعیت ملی می بخشند همانا مشارکت اقوام در تشکیل حکومت و ادارهٔ کشور است . آنچه از اولویت های حکومت نو است ومردم انتظار آن را دارند، همانا ضریب امنیتی در کل کشور است، فرهنگ خشونت در کشور بیداد می کند، حامیان خشونت در ادارات ومحلات مملکت تسلط دارند، فرهنگ زورگویی ، ارعاب، کژ بحثی وتخدیر افکار در کشور ادامه دارد. در طی سه سال گذشته، ما هر گز شاهد یک اقدام فیصله کن وقاطع ومسؤولانه برای رفع خشونت در کشور نبوده ایم . به رنگ نمونه وقتی در سال ۱۳۸۱ محصلان در لیلیهٔ دانشگاه کابل نسبت عدم شرایط بهتر لیلیه دست به اعتراض زدند . از طرف پولیس بالای آنها فیر صورت

همزمان با جریان مبارزه با مواد مخدر ایجاب می کند که قضیهٔ خلع سلاح هم در شمال ، هم در جنوب وهم در شرق کشور آغاز گردد.

گرفت ومسؤولان گفتند: اینها القاعده اند! طالب اند! و... نمی شود با چنین پلیس، فرهنگ خشونت را به سادگی از جامعه ریشه کن ساخت. مبارزه با خشونت زدایی . یک مبارزهٔ طولانی است که ریشه در اقتصاد نا مشروع مواد مخدر وقاچاق آن دارد . این بزرگ ترین مبارزهٔ قرن را در کشور تشکیل می دهد که باید آحاد ملت برای مبارزه بر ضد این اقتصاد نا مشروع دعوت شوند. به غرض رسیدن به این مأمول وگذار از یک فرهنگ استبدادی وخشونت بار به یک سلسله مؤلفه ها در کشور ضرورت داریم، باید نهاد های مدنی شکل بگیرد، آزادی بیان به شکل منطقی آن رشد نماید، ما به رشد فکری ونبوغ افراد ضرورت داریم سیستم اطلاع رسانی وشفافیت در دستگاه دولت تقویه گردد. در طی سه سال گذشته هیچ کس به جرم اختلاس ودزدی سرمایهٔ ملت، به محاکمه کشانیده نشد ، پشت سر هر جنایت کار یکی از ارکان دولت قرار داشته است. آنچه در کشور وجود دارد همان اقتصاد جنگی است که این اقتصاد بستگی با تفنگ، مواد مخدر، قاچاق و حیف میل سرمایهٔ ملی دارد ، اول باید به طرف خلع سلاح رفت، بعد به باز سازی ورفاه . در سه سال گذشته دولت با بی میلی با خلع سلاح برخورد کرده است، یا نخواسته ویا نتوانسته است کاری در این زمینه انجام دهد. ادامهٔ این وضع مشروعیت دولت را تحت سوال قرار می دهد ، دولت بر پاره یی از کالاهای وارداتی کنترل ندارد ، تداوم این وضع مانع ایجاد یک دولت ملی می گردد و مبارزه بر ضد اقتصاد لجام گسیخته ، نا مشروع ودر فرجام مبارزه با مواد مخدر را به بن می کشاند. همزمان با جریان مبارزه با مواد مخدر ایجاب می کند که قضیهٔ خلع سلاح هم در شمال ، هم در جنوب وهم در شرق کشور آغاز گردد. سلاح در دست اشخاص غیر مسؤول به هر عنوانی که باشد جرم پنداشته می شود ، باید با آن مبارزهٔ قاطع صورت گیرد. مبارزه با فقر، بیکاری وایجاد اشتغال در سر لوحهٔ کار دولت قرار گیرد، تا کنون در این عرصه ها دولت برنامه یی مشخص ارائه نکرده است ، ما در آیندهٔ کشور خود به یک رستاخیز ملی نیاز داریم و بدون یک حرکت سراسری ، ملی وعقلانی نمی - توانیم به این انبوه مشکلات فایق آییم.

مجاهدین وتحصیلات عالی

محمد نسیم فقیری

مجاهدین قهرمان افغانستان، در طی سالیان دراز جهاد شکوه مند وپرافتخار، برضد رژیم های استبدادی و دست نشاندهٔ خلق و پرچم وتجاوز نظامی ولشکر کشی امپریالیسم سرخ، متحمل قربانی های زیادی گردیده اند. قدر مسلم این است که قربانی مجاهدین فقط محدود ومنحصر به جان بازی وایثار خون های پاک آنان نمی باشد وحتی درشهادت ها ومعلولیت ها نیز خلاصه نمی گردد؛ بلکه قربانی بزرگ دیگر مجاهدین - یعنی آنانی که سال های سال در سنگرها و دفترهای جهادی مشغول ادای فریضهٔ جهاد بوده اند و سعادت شهادت نصیب آنان نگردیده و در قید حیات می باشند- بازماندن از تحصیلات است.

سلسلهٔ مهاجرت از کشور ویا پیوستن به جبهات جهادی از سال ۱۳۵۷ وحتی قبل از آن آغاز یافته و تا سال ۱۳۷۱ و حتی بعد از آن ادامه داشته است.

همگان می دانند که اکثریت قریب به اتفاق مجاهدان و مهاجران سال های اول جهاد را محصلان پوهنتون ها، طلاب مدارس ومتعلمان مکاتب، علمای دینی، معلمان و ماموران ملکی ونظامی تشکیل می داده اند. همچنین واضح است که مردم ما و بخصوص اکثر جوانان کشور در طی سال های اخیر رژیم سلطنتی و دوران داوودخان در اثر فعالیت نهضت اسلامی افغانستان از طریق تظاهرات، اجتماعات و تبلیغات روشنگرانه، با ماهیت ضد دینی وضد مردمی مرام ومفکورهٔ کمونیست ها وبخصوص باندهای خلق وپرچم به خوبی آشنا شده بودند. بر این بنا بود که همین جوانان با شناخت و آگاهی از جریانات سیاسی کشور وعلاقه وارتباط قبلی با نهضت اسلامی، گروه گروه به صفوف جهاد پیوستند و حماسه ها آفریدند.

اکثریت قریب به اتفاق این جوانان، کسانی بودند که تحصیلات شان را در پوهنتون ها، مدارس ومکاتب ناتمام گذاشته و به سنگرهای دین، عزت، شرف و آزادی شتافتند. تعداد اندکی هم با ترک تحصیل از ص ۵

هفتمین کنفرانس عمومی سازمان جهانی ...

جوانان و زنان وجمعی از سیاست مداران از ۱۲۸ کشور جهان شرکت ورزیده بودند. از کشورما افغانستان محترم استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت ومحترم صبغت الله مجددی ریاست هیئت افغانی را داشتند.

رئیس جمهوری سیرالیون آقای احمد تیجان کابا ومعاون رئیس جمهوری فلپاین آقای تولی دیکاسترو


رؤسای هیأت های اشتراک کننده در کنفرانس پس از ادای نماز جمعه در دانشکدهٔ دعوت اسلامی

و آقای حسن مونی رئیس جمهوری پیشین تانزانیا نیز از شمار شرکت کنندگان در این همایش بودند.

جلسات کنفرانس همه روزه در دو نوبت از حوالی ساعت ۹ صبح تا حوالی ساعت ۸ شب ادامه می یافت.

کنفرانس هفتم در روز ۲۶ با پخش سرود "الله اکبر" سرود رسمی سازمان جهانی دعوت اسلامی وتلاوت آیاتی از کلام الله مجید کارش را آغاز کرد. سپس گردانندهٔ کنفرانس های عمومی سازمان دکتر ابراهیم بشیر العویل ضمن خیر مقدم گفتن به میهمانان، کنفرانس های عمومی سازمان جهانی دعوت اسلامی در گذشته و کارنامه های آن را در طی بیش از سی سال مورد بررسی قرار داد و گفت که کنفرانس عمومی این سازمان هرچهار سال بعد یک بار برگزار می شود که در آن کارنامه های گذشتهٔ سازمان مورد بررسی قرار می گیرد واستراتژی وبرنامهٔ کارچهار سال آیندهٔ آن پی ریزی می گردد و او افزود این کنفرانس به شیوهٔ کنفرانس های پیشین در نگاه به افق های گستردهٔ دعوت اسلامی درجهان و بررسی مسائل صلح جهانی و رفاه وهمزیستی والتزام به راستی درتبلیغات ومطبوعات حرکت خواهد کرد وتطبیق آن را به مجلس اعلی دعوت اسلامی که هرچهار سال، بعد اعضای آن از میان همین کنفرانس عمومی انتخاب می شوند، واگذار می گردد.

پس از آن آقای نولی دی کاسترو معاون رئیس جمهوری فلپاین سخنرانی کرد و از برنامه های سازمان جهانی دعوت اسلامی در همه نقاط جهان به ویژه در کشور فلپاین در زمینه های توسعه وصلح تقدیر و به نیکویی یاد کرد. سپس هریک رئیس سازمان تعلیم وتربیت وفرهنگ وعلوم سازمان کشورهای عربی "الیکسو" دکتر منجی ابوسنینه و رئیس عمومی سازمان تعلیم وتربیت و علوم وفرهنگ سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی "آیسیسکو" و نمایندهٔ رئیس سازمان یونیسکو و نمایندهٔ دبیر کل سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی سخنرانی کردند و برنامه های فرهنگی وعلمی وانسانی سازمان جهانی دعوت اسلامی را ستودند وهمکاری های آن را با سازمان های خویش بسیار سودمند خواندند. همچنان در این جلسهٔ افتتاحی دکتر حبیب بلخوجه دبیر کل مجمع فقه اسلامی و آیت الله محمد علی تسخیری دبیر کل سازمان تقریب مذاهب اسلامی در ایران وشیخ مصطفی سیرتش رئیس مجلس علمای بوسنی و دکتر فوزی زفزاف رئیس کمیسیون گفتگوی ادیان در دانشگاه ازهر سخنانی ایراد کردند وهرکدام برنقش مؤثر سازمان جهانی دعوت اسلامی در زمینهٔ شناساندن عمیق و درست اسلام و دفع شبهات از آن تأکید ورزیدند.

همچنان در این جلسه اسقف پیرولودجی شیلانا از مجلس پاپ اعظم برای گفتگوی ادیان در واتیکان، وانباباخو میوس نمایندهٔ بابا شنودهٔ سوم رهبر ارتودوکس های عرب و آمانویل آدامکس نمایندهٔ کلیسای ارتودوکس یونان سخنرانی کردند ونقش برنامه های سازمان جهانی دعوت را در طی بیش از سی سال گذشته در راه انداختن همایش ها وکنفرانس هایی در عرصهٔ گفتگوی ادیان بسیار مهم و برازنده تلقی نمودند و هریک احترام خویش را به ارزش های انسانی که اسلام بر آنها تأکید می ورزد مانند عدالت و برابری و آزادی وتسامح ابراز داشتند.

همچنان در این جلسه پیام هایی از رئیس جمهور پیشین ایتالیا فرانسیسکو کوسیجا و وزیر داخلهٔ این کشور جوزیبی بیزانو خوانده شد که در آنها از نقش تمدنی وانسانی سازمان جهانی دعوت برای ایجاد جهانی فارغ از مظاهر ستم وتجاوز وتبعیض تقدیر گردیده بود.

سپس دکتر محمد احمد شریف دبیر کل سازمان جهانی دعوت اسلامی همهٔ شرکت کنندگان را خوش آمدید گفت و برای همگان درکار این اجلاس موفقیت آرزو کرد. و در پایان جلسهٔ افتتاحی رئیس جمهوری سیرالیون آقای احمد تیجان کابا سخنرانی کرد و وی به نمایندگی از معمر قذافی رهبر لیبیا رسماً کنفرانس را آغاز نمود. وی در سخنان خود به نقش سازمان جهانی دعوت در ایجاد جو گفتگو وتعارف میان کتله های گونه گون بشری با تنوع فرهنگ ها وتعدد عقاید آنها اشارت کرد و بر اهمیت ارزش های روحی آن در حیات بشری ونجات او از هلاکت تأکید ورزید و از اعضای کنفرانس خواست تا این ایمان را در زمینهٔ مسائل جهان امروز مان وصلح بین المللی به کار بندیم و گفت: پیامی که من به مناسبت این کنفرانس برای شما دارم این است که به خدای متعال چنان ایمان داشته باشیم که ویرانی را بنکوهد وپرتگاه جدایی میان اقوام و مجموعه های بشری را و فاصله بین ثروتمندان وفقیران را پرکند، و به رحمت و مهربانی بپیوندد و آثار نزاع را از میان بردارد.

این کنفرانس که با نام رحمت ومهر عنوان اساسی اسلام و هدف راستین پیام آن برگزار شده بود با سخنان رئیس جمهوری سیرالیون رسماً به کارش آغاز کرد و در طی جلسه های بعدی اش مفهوم رحمت وجهانی بودن دعوت اسلامی توسط اندیشمندان در


استاد ربانی وحضرت مجددی با اعضای هیأت افغانی در حاشیه کنفرانس

ابعاد گونه گون مورد بررسی قرار گرفت چنان که بشریت امروزی برای رفتن به سوی سعادت و زندگی ارزشمند بدان شدیداً نیازمند است.

بحث های اساسی ونتایج کار کنفرانس درشمارهٔ بعدی خواهد آمد.

هویت ملی وعناصر بحران زا

سید ناصر تقدسی

موضوع هویت ملی که محور این مقاله را شکل می دهد، سخت گسترده دامن است ودر لایه های خود بحران سیاسی، بحران فرهنگی ، بحران اجتماعی واقتصادی ، بحران اختلاف، بحران عقب مانی وبحران انحطاط اخلاقی را نهفته دارد. توضیح هر کدام این بحران ها در صدها صفحه نمی گنجد، ولی در این جا کوشش بر آن خواهد بود، تا مروری کوتاه از باب اشارت بر پدیدهٔ هویت، بحران هویت و راه های دوباره سازی آن، صورت بگیرد.

هویت

اگر به لغت نامه ها وقوامیس رو کنیم ذات، هستی و وجود را مترادف وهم معنای هویت می یابیم. ودریک نگاه ژرف تر ، هویت عبارت است از حقیقت شیء یا شخص که مبتنی بر صفات جوهری است؛ صفاتی که سازندهٔ شخصیت یک فرد، یک خانواده ، یک قوم ویک ملت است. از همین رو است که دانشمندان، شخصیت را وجوه امتیاز یک قوم از دیگران می دانند، وجوهی که در جریان تداخل و تأثیر متقابل فرد وجامعه، درانسان به وجود می آید، وهویت های گوناگون مطرح می گردد وانواع هویت فردی وجمعی قد می کشد.

به بیان دیگر، هویت عبارت است از آن چه که موجب شناسایی می شود. بنابر این هویت مفهومی است ناظر به حالات واعمال شخصی که ریشه در تربیت خانوادگی آموخته های فرهنگی وباور های اجتماعی دارد وتشخص یک فرد ویک جامعه را تشکیل می دهد. مؤلفه های عینی هویت در سطح اجتماع ساختار های "هویت ملی" را شکل می دهد و آن را از دیگر هویت ها.. متمایز می کند. به این ترتیب "هویت ملی" به مجموعه گزاره ها ونشانه هایی گفته می شود که از چیستی وچگونگی عوامل قوام بخش وشناسانندهٔ یک واحد سیاسی ومؤلفه های همبستگی آور آن علامت می دهد.

برای این که مفاهیم "هویت" و"هویت ملی" را خوب تر درک وهضم نماییم، ناگزیر در قدم نخست مفاهیم وتعاریفی از ملت وعناصرتشکیل دهندهٔ آن در ذهن داشته باشیم.

ملت

دربارهٔ ملت تعاریف مختلفی بیان شده که ساده ترین آن این است: ملت مجموعه افرادی است که دارای زبان، فرهنگ ، دین، سوابق تاریخی مشترک و اراده واحساس مشترک هستند ودر یک محدودهٔ جغرافیایی زندگی می کنند واز حاکمیت وسیستم سیاسی بر خوردارند.

با توجه به این تعریف، گفته می توانیم که عناصر ومؤلفه های عمده واساسی تشکیل دهندهٔ ملت عبارت است از: سرزمین مشترک، دین وفرهنگ مشترک، زبان مشترک اراده واحساس مشترک وحاکمیت سیاسی مشترک.

در کشور ما نیز این مؤلفه ها گاهی به صورت نسبی وزمانی هم به گونه یی کامل، در بستر تاریخ نمود یافته است. واین نمادها در اوضاع واحوال کنونی این گونه به تفسیر می نشیند: سرزمین مشترک ما افغانستان، دین وفرهنگ مشترک ما اسلام، زبان مشترک ما دری وپشتو، ارادهٔ مشترک ما مبارزه با کشور گشایان و متجاوزان می باشد وعنصر آخری ملت که حاکمیت سیاسی مشترک باشد با درد و دریغ که همواره با استبداد وخود گامگی هم سنخ بوده است.

عناصر هویت ملی

هر گاه ساکنان یک سرزمین با داشتن سازه ها ومؤلفه های تکوین کنندهٔ ملت، موفق به ساختار عملی ملت گردند، همین سازه ها وعناصر، هویت ملی آنان خواهد بود، یعنی اگر ما سرزمین مستقل ومشترک وبا حدود وثغور معین داشته باشیم، دین ما مشترک باشد، به آن ببالیم واز آن دستور بگیریم وخود را به تقالید و ارزش های دینی وتاریخی خود پای بست بدانیم ودر برابر تهاجم بیرونی ها از استقلال وآزادی وارزش ها ی اسلامی خود دفاع کنیم وسر انجام نظام سیاسیی داشته باشیم که از هرگونه استبداد تمامیت خواهی وانحصار گرایی به دور باشد وهمگان حضور خود را در آن لمس نمایند، در این صورت می توان گفت که ما ملتیم وهمین شاخصه ها هویت مرد و زن وپیر و جوان ما خواهد بود. اما آیا ما اکنون یک ملت هستیم واز هویتی در خور یک ملت، افراد ما بهره مند است؟ پاسخ این دو پرسش موضوع بحث ما نیست واین قضاوت را با اتکا به آنچه گفتیم به شمامی گذاریم. وتنها نکته یی که روی آن انگشت باید گذاشت این است که در هر حال از دیری بدین سو، هویت ملی وجمعی وفردی ما و اکثریت قریب به اتفاق مجامع اسلامی به بحران روبه رو است، لذا باید به مسائلی که بحران آفرین ست وهویت ما را به چالش کشیده است به بسیار اختصار اشاره شود.

عوامل بحران هویت

یک سلسله عوامل وپدیده هایی است که هویت فردی ، جمعی وملی مسلمانان مخصوصا افغانستانی ها را به بحران رو به رو ساخته و به چالش گرفته است که عمده ترین آنها عبارت است :

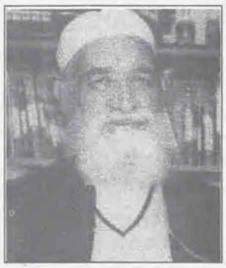
۱ـ بحران سیاسی: یکی از بزرگ ترین عوامل بحران هویت ومشکلات ممالک اسلامی به ویژه کشور ما پدیدهٔ" استبداد سیاسی" است. استبداد سیاسی یعنی غصب حکومت وبه دست گرفتن اهرم های قدرت از طرف گروهی خاص وخود کامه که مردم به فرمان روایی آنان راضی نیستند ولی آنها به زور سر نیزه حکومت می کنند. وبرای بقای خود ریاکاران مداح وچاپلوس را در دستگاه حکومت جا می دهند ومردمان غیرت مند ، شایسته وحقیقت خواه را از خود دور می کنند. استبداد خطر بزرگی است که اندیشه وابتکار و آزادی یک ملت را مورد تهدید قرار می دهد. استبداد تنها سیاست را تباه نمی کند، بلکه نظام اداری ، سیستم اقتصادی ارزشهای اخلاقی، دین وهمه جوانب زندگی را دچار فساد می نماید. از همین جاست که اسلام با استبداد سیاسی در هر قالب و زیر هر نامی که باشد اعلام جنگ می کند وبه پیروان خود هدایت می دهد که از مستبدان خودکامه، فرمان بری نکنند. خداوند می گوید: " از فرمان اسراف کاران اطاعت نکنید؛ آنانی که در زمین فساد می کنند ودر پی اصلاح وسازندگی نیستند". ملت ما نیز طعم تلخ این گونه استبداد را همواره چشیده است.

ادامه دارد

په علمي ـ فرهنګي ټولنو کي
دعلامه پوهاند رشاد د مړيني دياد لړۍ دوام لري

ش ـ زيارمل

دهيـواد سـتر علمـي او فرهنګـي شخصيت پوهاند عبدالشکور رشاد دجمعي په ورځ دليندۍ دمياشتي په يولسـمه نيټه د ۸۳ کلونـو پـه عمـر د وسله وال پوخ دطبي علومو د اکاډمـی پـه څلـور سوه بستره ييز روغتون کي په حـق ورسـيد ارواح دي ئي ښاده او ياد دي ئي تل وي.



پوهاند رشاد خپل ارزښتنـاک عمـر دهيـواد د بچيانو د روزني په لاره کي تير کړ د پښتو او دري ژبو د ادبياتو او تاريخ په برخو کي ئـي ارزښتنـاک آثار ليکلي دي چي ديرش توکه کتابونه ئي چاپ شوي او نږدي اتيا آثارئي لاتر اوسه نه دي چـاپ شوي. د جمعيت اسلامي فرهنګي دفتر د ارواښاد مړينه يوه ستره ضايعه بولي او دلوي خداي(ج) له دربار څخه ارواښاد ته دبخښني او پـاتي کسـانوته ئي د جميل صبر هيله کوي.

د ارواښاد اکاډيمسين پوهانـد رشـاد جنـازه د ليندۍ په يولسمه نيټه له کابـل څخـه کنـدهار تـه وليږدول شوه او ددغه ولايت د پوهنتون پـه انګـړ کي خاورته وسپارل شوه.

د ارواښاد رشاد دجنازي دښخولو پـه مراسـمو کي په دولتي لوړ رتبه چارواکيو برسيره دکنـدهار ولايت په زرګونو تنو خلکو، دکابـل پوهنتـون يـو شمير استادانو، د افغانستان دعلومو اکاډمي خينـو غړيو، يـو شـمير شـاعرانو، ليکوالـو او دهيـواد لـه بيلابيلـو ولايتونـو څخـه پيژنـدل شـويو فرهنګـي شخصيتونو ګډون کړي وو.

دمراسمو په پـاي کـي د ارواښـاد زوي ډاکتـر طارق رشاد د جنازي دښخولو په مراسـمو کـي د برخه والو څخه مننه وکړه.

پوهاند رشاد د ژوند له پيل نه بيا تـر وروسـتيو شيبو پوري د علم او ادب پـه خـدمت بوخـت و، شاګردان ئي روزل، دشعر او ادب ګلبڼ ئـي تـازه ساتلي و، ژوري علمي او فرهنګي څيړني ئي سرته ورسولي، په سوونو څيړنيزي مقالي ئي وليکلي پـه لسګونو له نوښته ډک علمي ـ فرهنګي کتابونه ئي تاليف کړل.

په لسګونو علمي او نړيوالو سيمينارونو کي ئي برخه واخيسته، ګنو هيوادو ته ئي علمـي سـفرونه وکړل. په ښوونځيو او پوهنځيو کي کلونـه کلونـه لوست ورکړ، د پښتو ټولني غړي او مرستيال او پـه وروسـتيو کلونـو کـي ئـي د افغانسـتان د علومـو اکاډمي ته دخپل غړيتوب وياړ ور بخښلي و.

استاد دنبوغ تر پولي لوړ او سرشـاره اسـتعداد درلوده، د ژبو د زده کړي په برخه کي دځانګړي مهـارت خاونـد و. پښتـوئي مورنـۍ او دري ئـي هيوادنۍ ژبه وه چي په دواړو ئـي روانـي ليکنـي کولي او شعرونه ئي پـري ويـل، عربـي انګليسـي، روسـي او اردو ژبي ئي ښي زده وي ددغـو ژبولـه آثارونه ئي په خپلو څيړنو کـي ګټـه اخيسـتله او د ارتيا په وخت کي ئي ليکني پړي کـولاي شـوي. په سانسکريت او نـورو ژبـو کـي ئـي هـم مطالعـه درلـوده د جاپـاني ژبـي سـره ئـي هـم آشـنائي درلوده.

د علامه رشاد علمي مطالعه ډيره پراخه وه، هر اړخيز معلومات ئي ترلاسه کړي او خپلي حـافظي ته ئي سپارلي وچي همدغو پراخو معلوماتو ورتـه د ژوندي دايـره المعـارف حيثيـت و ربخښلـي و. دهر چا به چي کـوم ډول معلومـات پـه کـارو نـو دوي ته به ئي مراجعـه کولـه چـي دوي بـه ئـي معلوماتي اړتيا ور پوره کوله.

همدارنګه ددوي مشاهده هـم ډيـره پيـاوړي وه، څه به ئي چي اوريـدل او څـه بـه ئـي چـي ليدل هغه به ئي خپلي پياوړي حافظي ته سـپارل او خپل معلومات به ئي پري غني کول.

اکاډيمسـين رشـاد پـه ادب، پـه ژب پوهنـه، تاريخ، تاريخي جغرافيـا، انسـابو او لغـت پوهنـه کي له ارزښت نه ډک کارونه سـرته رسـولي دي چي دبده مرغه تر اوسه ئـي زيـات آثـار ناچاپـه پـاتي دي او دهيـواد بچيـان ئـي لـه اسـتفادي څخه بي برخي دي.

د مجاهد فرهنګي دفتر يوځل بيا د اسـتاد رشاد وفات دهيواد دعلم او ادب په نړۍ کي يوه نـه جبيره کيدونکي ضـايعه ګڼـي ټولـو فرهنګيانو، علمي شخصيتونو او پخپله د دوي پاتي شـونو کسـانوته د جميـل صـبر غوښتنـه کوي او لـوي خـداي(ج) څخـه ئـي مغفـرت غـواړي يـاد دي ئـي تـل او ارواح دي ئـي ښاده اوسي.

په نړي کي دوستی که دښمنی دي
خپلي ګټي، خپلي وټي بي محور دي
خپلي ښي او خپلي خوښي خپل مرادونه
په بشر کي دامعيار دخير او شر دي

ارواښاد پوهاند رشاد

چند

سهراب سپهری

اینجاست،آیید،پنجره بگشایید، ای من ودگرمن ها:
صد پرتو من در آب
مهتاب،تابنده نگر،برلرزش برگ، اندیشهٔ من، جادهٔ مرگ
آنجا نیلوفرهاست، به بهشت، به خدا درهاست
اینجا ایوان، خاموشی هوش، پرواز روان.
در باغ وزن تنها نشدیم، ای سنگ ونگاه، ای وهم و درخت، آیا نشدیم؟
من "صخره ـ من" ام، تو "شاخه ـ تو" یی
این بام گلی،آری،این بام گلی،خاک است ومن وپندار.
وچه بود این لکهٔ رنگ، این دود سبک؟ پروانه گذشت؟
افسانه دمید؟
نی، این لکهٔ رنگ،این دود سبک، پروانه نبود، من بودم
وتو افسانه نبود،
ما بود وشما.

زبان شکر

عبدالله آرزو

بخوان ترانهٔ پرشور جاودانهٔ صبح
شکست شب نگر از جلوهٔ جوانهٔ صبح
شگفته غنچهٔ نور ظفر به باغ سحر
طلایه دار فلق آید از کرانهٔ صبح
شرر به خرمن خاشاک خیل شب افتاد
زیمن بارقهٔ خشم و از زبانهٔ صبح
به دشت ماتم دل ابر رحمتی بارید
شگفته خندهٔ گلهای عاشقانهٔ صبح
به بوستان شفق عندلیب گلشن عشق
سروده نغمهٔ دل پرور ترانهٔ صبح
زکوچه های سحر سایه ها گریزانند
فروغ صبح بهار آمد و چغانهٔ صبح
وحلقه حلقهٔ گیسوی دختر خورشید
چو رشته های گهر ریخته به شانهٔ صبح
حضور همهمه جوش بهار روییده است
زبان شکر شکوفا شد از خزانهٔ صبح

درنگی بر "نگاهی کوتاه به یک کتاب"

محمد اکرام اندیشمند

هفته نامهٔ مجاهد در شمارهٔ ۳۳ مؤرخ ۱۱ قوس ۱۳۸۳ تبصره ونظریهٔ وحید مژده رابه کتاب سال های تجاوز و مقاومت، تألیف نگارندهٔ این سطور به نشر رسانیده است. آقای مژده از نویسندگان شناخته شدهٔ مجاهدین و دوران جهاد است. در نگارش نثر فارسی دری استعداد و توانایی خوب دارد و آنچه را که می نویسد زیبا، روان و سلیس می باشد. وی با این استعداد خوب خویش قلم به دست گرفته و در مورد کتاب سال های تجاوز و مقاومت تحت عنوان "نگاهی کوتاه به یک کتاب" آن گونه که از عنوان آن پیداست مطلب مختصری نگاشته اند، در حالی که اگرموصوف در مورد کتاب با توجه به آنچه که از مهارت و توانایی اش در هنر نوشتن گفته شد، بیشتر می نوشت بهتر می بود. چون آن مواردی از مباحث کتاب که از دید ایشان با روش اهل تحقیق و تتبع سازگاری نداشت، همساز با این روش ارائه می گردید. و این در روشن شدن حقایق، بسیار مؤثر ومفید تمام می شد. آن گونه که نگارندهٔ کتاب در مقدمه به تفاوت برداشت های نویسندگان و محققان در مورد وقایع سال های مورد بحث، البته نه به عنوان آن که نوشته های آنها با روش اهل تحقیق وتتبع سازگاری نداشته باشد، اشاره نموده است.

علی الرغم آن که آقای مژده از نوشتن بیشتر در مورد کتاب سال های تجاوز و مقاومت دست گرفته اند. در این نگاه کوتاه شان به کتاب، نگاه های قابل تأمل و پرسش بر انگیزی به نظر می رسد. در نخستین نگاه از ارزیابی وقضاوت وقایع از زاویهٔ دید خاص مؤلف کتاب، سخن زده می شود و آن به نحو وعبارتی بیان می یابد که حقایق و واقعیت ها در آنچه که گویا زاویهٔ دید خاص نویسندهٔ کتاب خوانده می شود، کمتر انعکاس داشته است. انگشت گذاشتن روی زاویهٔ دید خاص نگارندهٔ کتاب و نحوهٔ بیان آن ـ اگر من درست درک کرده باشم ـ همانا ناقص و نارسایی کار نویسنده ومحقق وتردید به ارزیابی درست و قضاوت سالم او ست که این ارزیابی وقضاوت را از دیدگاه و برداشت خودش ارائه بدارد. در حالی که این نه یک کمبود ونارسایی، بلکه یک امتیاز در استقلال فکری و آزادی بیان وتحلیل هر نویسنده ومحققی است که در تحلیل وقایع زاویهٔ دید خودش را به کار می برد. کسانی که در ارزیابی و قضاوت وقایع، نه زاویهٔ دید خودش بلکه زاویهٔ دید دیگران را به کار می برند، مسلماً برای نوشتن، اجیر واستخدام می شوند. آنها نه برای بیان حقایق و قضاوت درست واقعیت ها بلکه برای خوشی و رضایت دیگران می نویسند.باور من اینست که اگر نویسنده یی هرچند با تحلیل نارسا وناقص وقضاوت پر از اشتباه، از دیدگاه وبرداشت خودش با استقلال و آزادی بنویسد بهتر از آن است که با قلم دستش تصویر زاویهٔ دید دیگران را به روی کاغذ ترسیم کند و برای کسب پول وجاه ومقام بنویسد.



البته هیچگاه در این مورد منظور از نویسندهٔ نگاه کوتاه به کتاب سال های تجاوز و مقاومت نیست. چون آقای مژده نویسنده یی هستند که هرچند در نگاه کوتاه شان به کتاب سال های تجاوز و مقاومت روی زاویهٔ دید خاص مؤلف یا لحنی که بازگو کنندهٔ کمبود و عیب آن است انگشت می گذارند، اما خود هیچگاه از نوشتن به زاویهٔ دید دیگران پول و مقامی به دست نیاورده اند.

دومین نگاه از این نگاه کوتاه، به عدول مؤلف کتاب سال های تجاوز و مقاومت از بی طرفی در تحلیل وقایع بر می گردد که به دور از روش اهل تحقیق و تتبع تلقی شده است. اما عدم رعایت بی طرفی در تحلیل ها و ارزیابی های وقایع مشخص ونشان ده‌ی می شود.

سومین نگاه در مورد کمبود واشتباه در نگارش کتاب سال های تجاوز و مقاومت اتکای مؤلف به نظر نویسندگان غربی به این سبب که نظریات آنها خالی از غرض نیست خاطر نشان می گردد. جالب این است که از میان سیصد صفحه مباحث مختلف کتاب فقط چند سطر بحث در مورد اسامه بن لادن وسازمان القاعده به عنوان مثال نقض کار مؤلف کتاب در اتکا به نظر نویسندگان غربی انتخاب می شود. علی الرغم آن که قبل بر آن ازعدم بی طرفی در ارزیابی وقایع و نبود رعایت روش اهل تحقیق وتتبع سخن می رود، ولی تنها به همین مثال اسامه بن لادن اکتفا می گردد. در حالی که بحث من (نگارندهٔ کتاب سال های تجاوز و مقاومت) در مورد اسامه بن لادن در دوران حاکمیت طالبان است و نه در مورد دوران جهاد و مشارکت عرب ها در جهاد وجنگ این دوره. اما آقای مژده می نویسد: "تروریسم را نباید با جهاد برادران عرب ما که در دوران جهاد مخلصانه در راه اسلام مبارزه کردند وبسیاری از آنان در این راه جان باختند مقوله یی همانند به شمار آورد." ایشان پیش از آن در به تردید کشانیدن این نوشتهٔ من در کتاب سال های تجاوز و مقاومت که از ارتباط اسامه بن لادن به سازمان جاسوسی امریکا سی ـ آی ـ ای سخن گفته ام می نویسد: "چنین امری از نزد من از آنجا مواجه به اشکال است که هم من و هم اندیشمند در دوران جهاد شاهد بودیم که عبدالله عزام در آن دوره تنظیم کنندهٔ امور مجاهدین عرب بود واسامه هم از دست پروردگان او است..."

در این شکی نیست که من و آقای مژده در دوران جهاد شاهد بودیم که عرب ها برای جهاد و جنگ به افغانستان سرازیر می شدند اما این پرسش به جای خود باقی است که آیا آنها فقط به خاطر جهاد مخلصانه در راه اسلام به افغانستان می آمدند؟ ص ۵

کشورهای خارجی به سنگرها ودفترهای مجاهدین آمدند وصدها وهزاران جوان دیگر به زندان های مرکز و ولایات توسط جنایت کاران ضد آزادی وضد حقوق بشر، افگنده شدند.

از این جمع بزرگ، فقط تعداد اندکی توانستند که در محیط های اصلی مهاجرت (پاکستان وایران) به تحصیلات شان ادامه بدهند و یا در کشورهای عربی و غربی تحصیل نمایند.

گرچه از همان آغاز جهاد وهجرت، رهبری مجاهدین به امر تعلیم وتربیه توجه نموده و در مناطق آزاد ومحیط های مهاجرت به تأسیس مکاتب پسرانه و دخترانه اقدام نمودند ولی فقط در نیمهٔ دوم سال های جهاد بود که دو سه پوهنتون توسط مجاهدین در پشاور تأسیس گردید که مهمترین آن پوهنتون پسرانهٔ دعوت وجهاد وپوهنتون دخترانهٔ امهات المؤمنین بود. قبل بر این حربی پوهنتون، حربی شونزی، اکادمی پولیس و ده ها مکتب دیگر در پاکستان وایران توسط جمعیت اسلامی تأسیس گردیده بود.

گرچه تأسیس پوهنتون های یادشده یک گام بسیار بلند وارزنده درجهت آموزش نسل جوان مجاهد وزمینهٔ بسیار خوب ومناسب تحصیلات عالی برای آنان بوده است، تا جایی که در اکثر موارد ـ به ویژه سطح دانش، نصاب تعلیمی وامکانات ـ نه تنها به مراتب از پوهنتون های داخل کشور بالاتر و پربارتر بود؛ بلکه برتعداد زیادی از پوهنتون های کشورهای اسلامی وهمسایه نیز برتری داشته است!

لازم است تا در مورد فعالیت دامنه دار مجاهدین در امر آموزش وپرورش کودکان، نوجوانان وجوانان کشور

مجاهدین وتحصیلات ...

ومؤسسات تعلیمی آنان در داخل و در محیط های مهاجرت (پاکستان وایران) مطالب مبسوطی گفته شود وبایست فعالان مؤسسات یاد شده، اطلاعات، معلومات وخاطرات شان را به نشر بسپارند تا آنهایی که نمی دانند واطلاع ندارند، به خوبی بدانند که سعی وتلاش مجاهدین فقط در سنگرهای گرم وافتخار آفرین مبارزهٔ مسلحانه محدود وخلاصه نمی گردید، بلکه در عرصه های دیگر و بخصوص تعلیم و تربیت نیز مصدر خدمات بزرگی به وطن وابنای آن گردیده اند.

ولی به همه حال، اکثریت قریب به اتفاق آن عده از مجاهدین که درسال های جهاد، ترک تحصیل نموده اند؛ نظربه دلایل متعددی چون بالا بودن سن، اشتغال به امور دیگر ومشکلات اقتصادی، خانوادگی و یا طرز العمل های اداری، نتوانسته اند که تحصیلات عالی را تکمیل و یا به مؤسسات تعلیمات عالی راه بیابند.

اکنون ما در شرایطی قرار داریم که همه، شعار شایسته سالاری را سر داده اند واصل عمده واساسی در شایسته سالاری داشتن تحصیلات عالی می باشد که طبق حکم فقرهٔ دوم مادهٔ هفتاد و دوم قانون اساسی یکی از شرایط لازم برای احراز کرسی وزارت است. همچنین شرط اساسی کارگزینی در مؤسسات خارجی، غیر دولتی وحتی ادارات دولتی نیز داشتن تحصیلات عالی است.

بدون شک که مجاهدین قهرمان افغانستان در راه خدا و نجات کشور اسلامی ومردم مسلمان خویش قیام نموده و قربانی ها داده وفقط اجر و پاداش عظیم الهی را در آخرت انتظار داشته اند؛ ولی حکومت های افغانستان که مرهون احسان بزرگ جهادگران کشور اند، چگونه می توانند از آنها قدردانی نمایند و به آنان پاداش بدهند؟

گفتنی است که اکثریت قریب به اتفاق مجاهدین دارای تحصیلات ناتمام، از محصلان با استعداد وممتاز مؤسسات تعلیمات عالی بوده اند و اکنون دارای توان وشایستگی لازم برای خدمت در عرصه های مختلف می باشند و با آن که خیلی دیر شده است ولی بازهم بایست تا صرف نظر از سن ومسائل دیگر به آنان فرصت داده شود تا به صورت "داخل خدمت" تحصیلات شان را تکمیل نمایند.

همچنین لازم است که جهاد وهجرت نیز به حیث یک شاخص وامتیاز در کنار مدارک تحصیلی پذیرفته شود تا بدین وسیله نمادی باشد از قدرشناسی انسان توسط انسان در دنیا ونه فقط حوالهٔ آن به اجر و پاداش خداوندی در آخرت که هر دو نصیب آنان بادا!

جای تعجب وتأسف است که وزارت تحصیلات عالی در امر گزینش کادرهای علمی به فارغان تحصیلات عالی کشورهای همسایه (پاکستان وایران) وبرخی از کشورهای عربی بسیار سخت می گیرد و فارغان داخلی ـ در سال های تجاوز واشغال ـ وحتی کشورهای کمونیستی (شوروی و اقمار آن) را بر آنان ترجیح می دهد!!

جای تعجب وتأسف است که وزارت تحصیلات عالی در امر گزینش کادرهای علمی به فارغان تحصیلات عالی کشورهای همسایه (پاکستان وایران) وبرخی از کشورهای عربی بسیار سخت می گیرد و فارغان داخلی ـ در سال های تجاوز واشغال ـ وحتی کشورهای کمونیستی (شوروی و اقمار آن) را بر آنان ترجیح می دهد!!

حال آن که چگونگی شرایط پذیرش وتحصیل در کشورهای اخیر الذکر و وضعیت در داخل، با در نظر داشت شهادت، حبس و هجرت تعداد زیادی از استادان ورزیدهٔ پوهنتون ها ومکاتب و حضور قوای اشغالگر وحاکمیت رژیم یک حزبی که شرکت ـ دراز مدت ویا کوتاه مدت ـ محصلان درفعالیت های محاربه یی و در صفوف قوای مسلح یک امتیاز بزرگ شمرده می شد و در سال های تحصیلی محاسبه می گردید و... بی نیاز از شرح و تفصیل می باشد!

در اخیر لازم است تا به دو مطلب مهم اشاره کرد:

۱- مجاهدین با آن که از بابت ناتمام ماندن تحصیلات احساس ناراحتی دارند و رنج می برند ونظاره گر پامالی ارزش ها، افتخارات و دست آوردهای جهاد می باشند؛ و با جودی که آرمان ها و توقعات شان در پایان جهاد مسلحانه در اثر اشتباهات وخیانت های دوستان و فتنه های دشمنان به باد رفته است؛ ولی نباید این یأس و نومیدی به سرحد ندامت کشیده شود و به اجر و ثواب بیش بهای اخروی جهاد، زیان برساند و در نتیجهٔ از دست دادن دنیا، از دست دادن آخرت را نیز در پی داشته باشد.

۲- هنوز هم فرصت است ومی شود که از هر طریق ممکن در تکمیل ویا ادامهٔ تحصیل و به دست آوردن مدارک تحصیلات عالی اقدام گردد و دولت باید در این زمینه یک راه حل معقول، مناسب وعادلانه را دریافت نماید.

درنگی بر "نگاهی کوتاه به ...

در حالی که این تنها افغانستان نبود که به حیث یک کشور اسلامی مورد تجاوز واشغال نیروی نامسلمان خارجی قرار گرفته باشد و معرکهٔ جهاد مخلصانهٔ برادران عرب ما گردد. فلسطین، هم کشور اسلامی بود وهم عرب. گذشته از این اگر گویا برادران عرب ما در عالم احساسات برای جهاد مخلصانه به افغانستان سرازیر شدند، آیا اسامه بن لادن هم از آن مجاهدین مخلص بود؟ پس چرا اسامه در آن سال های جهاد فراتر از مغاره ها وزیر زمینی هایی نرفت که در نوار مرزی چون توره بوره، جاجی، سپینه شیگه و... توسط آی ـ اس ـ آی و سی ـ آی ـ ای حفر گردیده بود؟ اسامه در مرزهای شرقی وجنوبی افغانستان قرار داشت و حشر ونشرش با آی ـ اس ـ آی پاکستان بود.

در حالی که آقای مژده اسامه بن لادن را دست پروردهٔ عبدالله عزام می داند تا مجاهد بودن او به اثبات برسد، اما جنگ او را در دوران حکومت وحشت طالبان در افغانستان از زاویهٔ جهاد و اسلام مورد تفسیر وتحلیل قرار نمی دهد. او می نویسد: "این که اسامه در کنار طالبان برضد جبههٔ متحد جنگید مسألهٔ دیگری است..." هرچند جناب مژده در این جا با بردن اسم جبههٔ متحد به جای اتحاد شمال به واقع گرایی بیشتری روی می آورد، اما موصوف در سراسر کتابی که در مورد طالبان نگاشته است به جای جبههٔ متحد اسم اتحاد شمال را به کار می برد، نامی که توسط نصیر الله بابر و آی ـ اس ـ آی به جبههٔ مخالف طالبان داده شده بود، ولی از آن "مسألهٔ دیگری" که موجب جنگ اسامه در کنار طالبان شد چیزی نمی گوید. آن، چه مسأله یی بود که اسامه بن لادن را در جنگ علیه احمد شاه مسعود و جبههٔ متحد کشاند؟ آن چه مسأله یی بود که اسامه باهزاران جنگجوی عرب و عجمش پنج سال در جنوب و شمال هندوکش آدم کشی و زمین سوزی کرد؟ مگر اسامه وعرب هایش چنین حقی داشتند و از لحاظ اسلامی وشرعی این چنین رسالت ومکلفیتی؟

من اسامه را در دوران حکومت طالبان مورد بحث وبررسی قرار داده ام. در صفحهٔ ۲۵۷ کتاب سال های تجاوز و مقاومت "نقش پاکستان واسامه بن لادن در جنگ و نیروی جنگی طالبان" عنوان این بررسی است. این که اسامه در دوران جهاد از دست پروردگان عبدالله عزام باشد و از مجاهدان مخلص راه اسلام در این دوران معرفی شود، باید به دیدهٔ تردید به آن نگریست و یا نشود، در حکومت استبداد و اختناق طالبان با جنگجویان عربش عامل قتل و وحشت، ترور و ویرانی، زمین سوزی ها و کوچ دادن های دسته جمعی هم وطنان ما در دامنه ها و دره های جنوب وشمال هندوکش است. او یکی از قاتلان و یا یکی از طراحان اصلی قتل احمدشاه مسعود است.

موضوع ارتباط اسامه را با سازمان سیا من اولین بار در کتاب سال های تجاوز ومقاومت مطرح نکرده ام. در این مورد مطالب زیادی از سوی نویسندگان و محققان مسلمان وغیر مسلمان نگاشته شده است. اتکا واستناد من در طرح این که اسامه به سازمان های جاسوسی امریکا، سعودی و پاکستان ارتباط داشت و هماهنگ کنندهٔ کمک های این سه سازمان به مجاهدین در نوار مرزی بود نه نظر نویسندهٔ غربی بلکه نوشتهٔ احمد رشید نویسندهٔ شرقی، مسلمان و همسایهٔ پاکستانی ماست. البته به آن حدی که آقای مژده از اتکای نظر من به نویسندگان غربی در کتاب سال های تجاوز و مقاومت به عنوان نقص کار اظهار تشویش کرده اند به آن حد قابل تشویش نیست. نظر وقضاوت نویسندگان غربی و کار غربی ها یقیناً خالی از غرض نمی باشد، اما این حقیقت را هم باید پذیرفت که حد اقل اکنون از همین حضور غرض آلود غربی ها میلیون ها تن ساکنان کابل از شرارت راکت باران گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی و وحشت کشتار و زمین سوزی تحریک اسلامی طالبان و اسامه بن لادن وجنگجویان عرب وعجم او رهایی یافتند. در غیر آن باز سر وکلهٔ "حکمتیار" یا "زرداد" درچهار آسیاب وسروبی پیدا می شود و بر سر میلیون ها تن ساکنان کابل راکت می ریزند. و سر و کلهٔ ملاعمر واسامه با طالبان ملافضل الرحمن پاکستانی برای کشتن وکوچ دادن در سایر نقاط افغانستان.

من به هیچ صورت مدعی آن نیستم که تمام زوایای حوادث و وقایع دورهٔ مورد بحث را در کتاب، تحلیل و ارزیابی کرده ام و در این تحلیل به خطا واشتباه نرفته ام. نگاه ها متفاوت است و این تفاوت به روشن شدن بهتر حقایق می انجامد.

نقطهٔ دیگری را که آقای مژده در رابطه به موضوع اسامه و تروریست بودن او به عنوان پرسشی مطرح کرده اند همانا همرنگ شدن باجماعتی است که گویا مؤلف سال های تجاوز و مقاومت، تروریسم را با آنچه که جهاد مخلصانهٔ برادران عرب ما در راه اسلام خوانده می شود مقولهٔ همانند می شمارد تا همرنگی با جماعت حاصل گردد. در حالی که اگر هم رنگی با جماعت، مورد نظر من می بود دیگر در سال های تجاوز ومقاومت از ارتباط اسامه با سازمان سیا و سازمان های جاسوسی دیگر سخن به میان نمی آوردم. از جانب دیگر من باور دارم که نه هم رنگی من و نه هم رنگی آقای مژده با جماعتی از این قماش مورد نظر، نه زیبایی دارد و نه منطقی است و نه موجب اعتماد آن جماعت، در هم رنگ شدن با خودشان می شود. هر چند که در این هم رنگی تظاهر بی شماری به عمل آید ولباس آن هم رنگی به گردن وسینه آویخته شود. و از سویی هم ترس از هم رنگی وچشم داشتن به پاداش هم رنگی نباید مانع از آن شود که اسامه بن لادن را تروریست گفت و از اشتباه وخیانت هم فکران و همراهان خود چشم بست تا مبادا "پشت کردن به اصولی که به خاطرش آن همه خون ریخت" تلقی نشود. باور من این است که باید تروریزم وتروریست را، خیانت و خیانت کار را از جهاد واسلام و ارزش های آن و از آن اصولی که به خاطرش آن همه خون ریخته شده تفکیک کرد. اگر تروریزم از اسلام وجهاد تفکیک نگردد، اگر خیانت و سوء استفاده از جهاد واسلام فرق نشود، اگر ریاکاری واستفادهٔ ابزاری از اسلام و جهاد برای غارت و چپاول، مورد نقد و بررسی قرار نگیرد و تناسب متضاد ومعکوس آن به اثبات نرسد، ارزش وتقدس همان اصولی که به خاطرش آنهمه خون ریختانده شد مورد پرسش و بی باوری قرار می گیرد.

به هر حال من از دوستم آقای مژده به حیث نویسندهٔ خوب انتظار دارم تا به جای نگاه کوتاه، نگاه طولانی تر و بیشتری به کتاب سال های تجاوز و مقاومت بیندازد. من به هیچ صورت مدعی آن نیستم که تمام زوایای حوادث و وقایع دورهٔ مورد بحث را در کتاب، تحلیل و ارزیابی کرده ام و در این تحلیل به خطا واشتباه نرفته ام. نگاه ها متفاوت است و این تفاوت به روشن شدن بهتر حقایق می انجامد.

آنچه در برابر حکومت آینده قرار دارد

قسمت دوم

آذرخش نوری

تلاش در جهت جاگزینی فرهنگ های بیگانه، با توجه به حضور روز افزون نیرو های خارجی در افغانستان برای حکومت ونظامها در افغانستان زیانبار است.

به سخن دیگر، آقای کرزی به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم افغانستان مصرانه اهتمام به خرچ دهد تا فرهنگ خودی و پر بار اسلا می مردم ما توسعه، رشد و انکشاف پیداکند.

بی توجهی به فرهنگ خودی و چنگ زدن به فرهنگ های وارداتی بیگانه می تواند هویت زدایی بکند وماراز خود مان بگیرد وبیگانه کند . این هویت زدایی زوال و نابودی ملت هارا فراهم می کند. درحقیقت موجودیت ملت ها با موجودیت فرهنگ های شان پیوستگی دارد . ملت ها را زمانی نابود می توانید که فرهنگ و زبان شان را از آنها بگیرید . البته در اینجا مخالفت با مظاهر ونماد های منفی فرهنگ بیگانه است و آن مواردی که مغایر عرف ، سنت های پسندیده، اخلاق و فرهنگ مردم ما است. تأثیر پذیری فرهنگ ها نیز چیزی نیست که بتوان آن را به وسیلهٔ دولت ها و یا زور مانع شد واین را هم نباید از یاد برد که عصر امروز عصر ارتباطات است و جهان اکنون به یک دهکدهٔ کوچک می ماند و معلوم است که نمی توان بر در هر خانواده یی یک کار گذار امر به معروف را گماشت و یا یک بازرس را.

توسعه و انکشاف افغانستان مستلزم توسعه وانکشاف شهرها و روستاهای افغانستان است که متأ سفانه در طول سال های گذشته شدیداً آسیب دیده و نیاز به باز سازی و نو سازی و ایجاد دوبارهٔ نهاد ها و بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارند.

رئیس جمهور افغانستان باید بکوشد تا باز سازی متوازن و عادلانه یی را در شهر های افغانستان روی دست بگیرد. البته این باز سازی باید منطبق به برنامه های تدوین شده یی باشد که می شود آن را مانند سالهای قبل از کودتای ثور، پلان پنج ساله نامید و این طرح بایداز سوی متخصصان، کارشناسان ، مشاوران و اعضای کابینهٔ افغانستان تدوین گردیده و به منصهٔ اجرا قرار گیرد .

توازن و رعایت عدالت در امر باز سازی ولایات و حتی اولویت بخشیدن به ولایاتی که در دوره های حاکمیت های استبدادی فراموش شده بودند می تواند آنهارا به آبادی و عمران بکشد و به این ترتیب گامی دیگر به سوی جلب اعتماد مردمانی برداشت که هیچ گاهی دست الطاف حکومات و دولت مردان شان را بر سر خود احساس نکرده اند.

بی گمان یکی از مشکلات قابل توجه دولت درسه سال گذشته موجودیت قدرت های محلی درولایات کشور بوده است که همین اکنون نیزاین مشکل کماکان وجود دارد.

دولتی با ثبات است که دربرابر فرامین ودساتیر ش هیچ جایی علم مخالفت وناساز گاری بلند نمی شود، واگر آقای رئیس جمهور می خواهد حاکمیت دولتی را که در مرکز او بر کرسی زعامتش نشسته است به ولایات گسترش بدهد، ناگزیر است این قدرت های محلی را ازمیان بردارد.

این مأمول را دولت باید با جلب اعتماد حاکمان، فرماندهان وآنانی که سر کشی دارند به اجرا درآورد. یقیناً وقتی این حاکمان احساس کنند که دیگر وقت پرداختن به سرکشی نیست و در دولت جایگاه متناسب به شأن و شخصیت شان دارند، مطیع وفرمان بردار خواهند شد.

فراموش نکنیم که دولت مرد باید درکنار قلم که تدبیر، خرد وتدبر است، شمشیری آبدار که قاطعیت و درفرجام استعمال قوهٔ قهریه است، داشته باشد.

یکی از نواقص حکومت درگذشته عدم موجودیت این قاطعیت وحتی این تدبر وخرد ورزی دربرابر حوادث ورویداد های جاری مملکت بود ه است .نباید فراموش کرد که نمی شود همه عقب مانی ها و ناکامی های دولت را در سه سال گذشته به دوش عواملی که دولت و رسانه های آن و رسانه های خارجی به آن تفنگ سالار وجنگ سالار نام گذاشته اند، گذاشت.

تقصیر دولت در این بوده است که برای جلب این گونه افراد از آنچه که ما اکنون آن را جو اعتماد سازی می نامیم بهره نجست .اگر دولت در پنج سال آینده همچنین بر همان منوال گذشته عمل کند، از همین اکنون می توان ناکامی اش را پیش بین بود.

در جنب و حتی در متن این پدیده موجودیت تفنگ در سراسر کشور محور اصلی و تشکیل دهندهٔ این حاکمیت ها ست. مجاهدان پیشین که در طول دودههٔ اخیر باجان ودل در راه آزادی کشور، در دوره های جهاد و مقاومت کوشیده اند ، نمی توانند نادیده گرفته شوند . اگر دولت آیندهٔ ما در پنج سال اخیر نتواند شغل آبرومندانه با درآمدی مناسب برای آنان تدارک ببیند ، به یقین نه برنامهٔ ملکی سازی موفقانه انجام خواهد یافت و نه هم امنیت به گونهٔ دلخواه تأ مین خواهد شد .

فراموش نکنیم که مجاهدین همان نسلی اند که در طول کمتر از سه دههٔ اخیر تمام هم و غم شان حصول آزادی و استقلال کشوربوده است و اکنون که ما از آن مراحل گذشته ایم و کشتی شکسته افغانستان از وحشت توفان، قریب ساحل های امن است ، عدالت نخواهد بود که این جان بازان را بی دست مایه و چشم داشت، از شانهٔ نظام پرت کنیم .

مردم افغانستان در گرداب حوادث توفان های اخیر، قریب به دو میلیون قربانی داده اند. ده ها هزار زن و فرزند این قربانیان، بی یار و یاورها شده اند . دولت مسؤولیت دارد که برای حال و آیندهٔاین خیل یتیمان و بی سر پرستان و ده ها هزار معلول و معیوب ناشی از جنگ چاره یی بسنجد . افغانستان در راه رشد ، انکشاف وتوسعه نیاز به پاسداری و وجانبازی اتباع خود نیز دارد و اگر شهروندان افغانستانی احساس کنند که فرزندان شان بی دستگیر و بی یاور می مانند، جرأت نمی کنند بار این مسؤولیت را بردوش بکشند.

پارلمان در کشورهای دارای نظام های دموکراتیک یکی از نهاد های مهم دموکراسی است و نظامهایی که خود را دموکراتیک می نامند نمی توانند بدون داشتن پارلمان خود را دموکراتیک بگویند زیرا در این صورت حکومت به یک نهاد دیکتاتوری مبدل خواهد شد.

رئیس جمهور افغانستان باید در فرصت معین و مقرر به وعده های داده شده عمل کرده و در جهت برگزاری انتخابات پارلمانی اقدام کند.

بی گمان این انتخابات از پیچیده ترین مراحل گذار افغانستان به سوی دموکراسی و مردم سالاری می باشد .

تشکیل پارلمان می تواند سنگینی بار نهاده بر دوش رئیس جمهورو کابینه اش را سبک کند.

پارلمان به مثابهٔ یک نهاد ممثل قدرت مردم و مشارکت ملی ، دولت مارا دموکراتیک تر می سازد .

پس از بر شمردن این موارد برای رئیس جمهور کشورمان، یکی دوتا از وظایف اساسی و مهم دیگری را نیز خاطر نشان می سازیم که با اجرا و تطبیق آن دولت راهش را به سوی ثبات و ترقی مطمئن و بدون تأخیر خواهد پیمود. سرعت بخشیدن روند تشکیل و تکمیل اردوی ملی و دیگر نهاد های تأمین کنندهٔ نظم و امنیت در کشور وهمچنان نابودی پدیدهٔ مواد مخدر در افغانستان مارادر مبارزه بر ضد تروریزم نیز یاری خواهد رسانید . اگر ما قادر گردیم در پنج سال آینده این دو مسأله را منطبق و متناسب به نیاز مندی های افغانستان تکمیل سازیم، می توانیم بر مشکل بدامنی در کشور غلبه حاصل کنیم.

در پایان نکتهٔ بسیار مهمی را که خطاب به رئیس جمهور کشور باید عنوان کنیم این است که به صدای رسانه ها و مطبوعات کشور وقعی بگذارد. نهادی که برای ریاست جمهوری در این راستا خدمت می کرد تا مندرجات نشریه های کشور را به سمع رئیس دولت برساند، به دلایل مختلف در سه سال گذشته از انجام دادن این کار خودداری نموده و یا آن را به نحو لازم اجرا نکرده است واین کار موجب شد تا رئیس دولت از پیشنهادات و انتقادات مردم و صاحب نظران عرصه های گوناگون بی خبر بماند و در نتیجه نارضایتی مردم توسعه یابد.

به خاطر باید داشت که مطبوعات قوهٔ چهارم دردستگاه دولت است و هرگونه بی توجهی در مورد این قوهٔ چهارم برای نظام و حکومت زیانبار می باشد، چه این مطبوعات و رسانه ها اند که افکار عامه را سمت وسو می دهند و می توانند د ر روند توسعه و انکشاف و اتوریته بخشی به نظامها و شخصیت ها اثرات تعین کننده داشته باشند .

توازن و رعایت عدالت در امر باز سازی ولایات و حتی اولویت بخشیدن به ولایاتی که در دوره های حاکمیت های استبدادی فراموش شده بودند می تواند آنهارا به آبادی و عمران بکشد و به این ترتیب گامی دیگر به سوی جلب اعتماد مردمانی برداشت که هیچ گاهی دست الطّاف حکومات و دولت مردان شان را بر سر خود احساس نکرده اند.

زموږ ګوند دملي مصالحو ...

نشته البته کرزي صاحب چي کوم تصميم نيسي، ددې دپاره چي پدې ملک کي داسي يوه قوي کابينه منځ ته راشي زمونږ خيال دادې چي پدې ارتباط داسي مسايل په نظر کي ونيول شي چي دملک امنيت او ثبات او اطمينان مستحکم شي.

پوښتنه: که ښاغلي کرزي په کابينه کي ستاسو ګوند ته کمه برخه ورکړي يا ني هيڅ ورنکړي ستاسو ګوند به حکومت کي برخه واخلي؟

ځواب: هرڅه چي زمونږ دملت په مصلحت وي مونږ ملي مصلحت ته اهميت ورکوو زمونږ ګوند اصلاً د ملي مصالحو د پاره هلي ځلي کوي.

پوښتنه: داسي ويل کيږي چي د جمعيت اسلامي ګوند په دوو برخو ويشل شوي دي؟

ځواب: احزاب کله چي منځ ته راځي ټول احزاب يو شکل ته پاتي کيږي کيداي شي د تحولاتو او تغيراتو پراساس ځيني افراد يوه حزب نه ووځي بل خواته ولاړ شي دا خبره په ټولو احزابو کي روانه ده، جمعيت د دې قاعدې او قانون نه جدا نه دي، کيداي شي يو نيم کسان بيل شي جلا شي بل حزب ته ولاړ شي، بل حزب جوړ کړي دا مساله کومه غير طبيعي خبره نه ده، زه فکر کوم چي دا دانسانانو دسياسي احزابو دسياست مداراتو آزاد تصميم پورې اړه لري هريو خپل تصميم نيسي کله چي مثلاً يو حزب سره يو تعداد عضويت لري بيا يو شمير کسان نوي حزب ته ولاړ شي داکومه مهمه خبره نده طبيعي خبره ده.

د خوست په پوله کی د يو ماين چاودېدل

دخوست ولايت د ګربزو په ولسوالي کي افغان سرتيري له يو ماين څخه خوندي پاتي شو.

د بي بي سي راډيو دخبر له مخي دغه ماين د افغانستان او پاکستان ترمنځ پوله کي د افغاني سرتيرو د موټر دتيريدو په وخت کي وچاود.

دخوست ولايت امنيتي مسئول وويل دغه ماين د افغانستان دسولي او ثبات ددښمنانو له خوا ايښودل شوي و. دغه راز دطالبانو يو خبر خاي بيا ددغه ماين دايښودلو مسئوليت په غاړه اخيستي دي. او زياته کړي ني ده چي د ماين دچاودني له امله يو شمير کسان وژل شوي او ټپي شوي خو دسيمي عيني شاهدانو ويلي دي چي په دې پيښه کي څوک نه دي ټپي شوي.

د يو بل خبر له مخي هغه چلوونکي چي دنيمروز - کندهار په لاره سفر کوي وايي چي په دغه لاره کي غله لګي او د خلکو مالونه لوټوي.

د بي بي سي راډيو په حواله زياتو خلکو شکايت کړي چي د موټر چلوونکو او سپرليو پيسي او مالونه دغو وسله والو غلو له خوا لوټ شويدي، هغوي هيله کړي چي امنيتي خواکونه يي مخه ونيسي.

څو ورځي مخکي ديو شمير خبريالانو پيسي هم په همدې لاره لوټل شوي وي.

رئیس جمهور منتخب افغانستان حلف وفاداری ...

این مراسم با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری برکت الله سلیم آغاز یافت. متعاقباً سرود ملی نواخته شد وسپس ترانهٔ میهنی توسط اطفال کودکستان ستاره به خوانش گرفته شد. بعداً علی احمد جلالی از محمد ظاهر، شاه پیشین افغانستان وقضات دادگاه عالی خواست تا جایگاه خود را در عقب میز تحلیف اشغال نمایند و سپس مولوی شینواری قاضی القضات آقای کرزی رئیس جمهور منتخب را سوگند داد.

در ادامهٔ این مراسم آقایان احمد ضیا مسعود و کریم خلیلی، معاونان ریاست جمهوری نیز توسط حامد کرزی سوگند داده شدند. رئیس جمهور افغانستان پس از ادای مراسم تحلیف سخنان کوتاهی در پیرامون مسؤولیت های بعدی حکومت خود این گونه ایراد نمود :

الحمد لله رب العالمین والصلاه والسلام علي خاتم النبيين

ګرانو هیوادوالو، محترمو میلمنو، میرمنو اوښاغلو!

خوشحاله یم چې د نن ورځې په درنه او تاریخي غونډه کې مو له موږ سره برخه اخیستي ده، خداي مو راوله، هرکله راشي. د دي تاریخي ورځې په مراسمو کې له موږ سره د نړۍ د بیلا بیلو هیوادونو دمیلمنو ګډون له نړیوالي تولني سره د افغانانو د پیوستون، متقابلو ګډو ښو همکاریو او علاقمندیو یو ښکاره ثبوت دي.

نن چې زه د اساسي قانون له احکامو سره سم د لوړي د مراسمو د پرځاي کولو په مرسته د افغانستان د منتخب جمهور رئیس په توګه په کار پیل کوم، د تیرو دریو کلونو دکار خوږي او ترخې شیبې مې هره لحظه تر سترګو کیږي، د وطن د بیلابیلو سیمو د مشرانو، سپین ږیرو، علماوو، ځوانانو، خویندو او ورونو سره زما لیدني په دوو لویو جرګو کې د ملت د استازیو دملي وفاق پیاوړي روحیه د وطن له آبادۍ او ودانۍ سره د ملت مینه په تیره د وطن د خدمت ادامې ته دهغو مصیبت ځپلو کورنیو بشپړه آمادګي چې نې په دي کلونو کې د افغانستان د روښانې آیندي په هیله په انتخاباتو کې د خلکو پراخ ګډون دا ډاډ راکوي چې د افغانستان د سولې، ثبات، سوکالۍ او غوړیدو د نوي مرحلې د مسئولیت دروند بار به هم دلوي څښتن په مرحمت او دخپلو خلکو په تینګ ملاتړ په بري سره منزل ته ورسوو.

خویندو او ورونو!

ما په تیره یوه میاشت کې له انتخاباتو سره د افغانستان دخلکو دمینې حیرانوونکې کیسې اوریدلي دي. داکیسې ډیرې دي او د افغانستان دهرې سیمې دي چې یوه ئې زه دلته تاسوته در اوروم: چا راته وویل چې په فراه کې یوه سپین سري دانتخاباتو حوزې ته راغله دوه کارته ورسره و مسئولو کسانوته ئې وویل دا یو کارت زما او یومې دلور دي هغه ناجوړه ده راتلاي نشي، زه غواړم دا دواړه کارته استعمال کړم، مسئولو کسانو ورته وویل چې هر فرد خپله یوه رایه ورکولاي شي د بل چا درائې د ورکولو حق نه لري، سپین سري خپله رایه ورکړه او ولاړه. لږ وروسته د سپین سري لور چې څښتن تعالی ئې غیږ په نوي زوکړي اولاد ډکه کړي وه دانتخاباتو حوزې ته راغله او خپله رایه ئې ورکړه دا او داسي نوري په لسګونو کیسې شته چې د ولسواکۍ او نوي ژوند سره ددي خاوري د هر بچي د ژوري مینې حکایت کوي.

دجمهوري ریاست په انتخاباتو کې ورکړل شوي رائې دافغانستان لپاره دي که دا رایه ماته ورکړل شوي ده او یا بل کاندیدته د ټولو هدف د افغانستان آبادي او جوړښت دي. زه په انتخاباتو کې د ټولو ګډون کوونکو او ددوي د رایو درناوي او مننه کوم.

زموږ دخلکو داملي او سپیڅلي احساس موږ ته دا باور او ویاړ رابښي چې زموږ ملت په ډیر تلوار غواړي چې هیواد موجوړ شي. امن په کې تینګ وي، په خپلو پښو ولاړ وي او ددغو عالي ارمانونو د تحقق لپاره هره ګړی خدمت، همکارۍ او قربانۍ ته تیار دي. دهیواد رایو اوعالي ملي احساس ماته دا مکلفیت راسپارلي دي چې زه او زما د نوي حکومت ملګري په ملي مسئولیت دخپلو خلکو د باور او ملي آرمانونو ژور درناوي کوو.

د وطن دترقۍ او هیواد والو د سوکالۍ لپاره به په خپلو ټولو کړو ژمنو ټینګ ولاړ یوو او دالله تعالي په مهربانۍ او دخپلو خلکو په همت او مرسته به دیو بسیا او هوسا افغانستان دجوړولو په لور په تینګه پرمخ ځوو.

هموطنان عزیز، مهمانان گرامی!

ما در جریان مبارزات انتخاباتی خط مشی حکومت آینده را به مردم افغانستان تقدیم کردیم که خطوط اساسی آن را می خواهم بیان نمایم:

- **تقویت سکتور امنیتی وتأمین کامل امنیت وثبات پایدار در سراسر کشور.**
- **امحای کشت کوکنار و مبارزه با تولید وقاچاق مواد مخدر.**
- **جمع آوری سلاح وملکی سازی.**
- **زدودن فقر، تولید ثروت و تلاش برای رفاه عامه بخصوص در مناطق روستایی.**
- **حراست از قانون ونگهداشت آزادی های مدنی و حقوق بشری مردم.**
- **پی گیری مفید و دوامدار اصلاحات اداری جهت تقویهٔ اداره، جلوگیری از رشوه، فساد و سوء استفاده از بیت المال.**
- **سپردن کار به اهل آن.**
- **تحکیم وحدت ملی.**
- **بازسازی ونوسازی کشور وهمکاری های متقابل بین المللی و توسعهٔ آن.**

ما انشاء الله تا پایان پنج سال دورهٔ ریاست جمهوری، خود را به تحقق این مشی متعهد و در برابر ملت عزیز، خود را مسؤول می دانیم و در کنار این همه کارها وتعهدات آزمون بزرگ دیگری که در برابر ما قرار دارد انتخابات پارلمانی می باشد که باید به زمان معین خود و با اشتراک گستردهٔ مردم در فضای آزاد و سالم برگزار گردد.

با تشکیل پارلمان آینده، رکن سوم دولت ما تکمیل خواهد شد و راه های پیشرفت برای یک افغانستان قانون مند بیشتر و بهتر هموار خواهد گردید.

آقای کرزی درادامهٔ سخنانش گفت:

من وهمکارانم به دستور مردم افغانستان وظیفه داریم که به تحقق آرمان های والای ملت پای بند واستوار بمانیم تا درپایان کار و پیروزی برنامه های ما، افغانستان کشوری شود مرفه، با ثبات، باوقار و برخوردار از حیثیت در منطقه و جهان.

او گفت: مبارزهٔ ما با تروریزم خاتمه نیافته است، اگرچه تروریزم به حیث یک پدیدهٔ تبهکار خطر جدی برای ثبات کشور الحمدلله نیست اما سهیم بودن آن در تولید و قاچاق مواد مخدر و خراب کاری های آن در منطقه و جهان مایهٔ نگرانی می باشد.

در راه مبارزه با تروریسم جهانی هنوز هم به همکاری منطقه و جهان نیازمندی جدی احساس می شود وادامهٔ این همکاری می توائد از شرارت تروریسم در جهان بکاهد.

آقای کرزی در بخش دیگری از سخنانش، از کمک های کشورهای دوست به ویژه کشور امریکا ابراز قدردانی کرد و گفت: امیدوارم همکاری جامعهٔ جهانی با افغانستان ادامه یابد.

وی افزود: افغانستان با ثبات، امن ومستحکم به سود همسایگان، منطقه و جهان می باشد. همسایگان ما از تمام امکانات افغانستان در راه گسترش تجارت شان باکشورهای منطقه استفادهٔ اعظمی کرده می توانند وافغانستان، کشورهای همسایهٔ خود را اطمینان می دهد که همیشه دوست وهمکار همسایه های خود خواهد بود و از کشور های همسایه نیز خواهان همچو رویه است.

آقای کرزی در ادامهٔ سخنانش مکرراً تعهد سپرد که حکومت سالم خواهد ساخت وآغاز مرحلهٔ نوین تاریخ معاصر کشور را به هم وطنان تبریک گفت و همچنان از تمام مهمانان خارجی قدر دانی به عمل آورد و در اخیر مجلس ترانهٔ میهنی دیگری نیز از جانب شاگردان لیسهٔ رابعهٔ بلخی به خوانش گرفته شد و مجلس با دعای حضرت صبغت الله مجددی پایان یافت.

ن/ ملکیار

متن حلف نامه

به نام خداوند بزرگ(ج)

سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم.

قانون اساسی وسایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، حراست وحقوق ومنافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال وپشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت وترقی مردم افغانستان به کار برم.

ومن الله التوفیق

د ایدز د ناروغی په باب نوی معلومات

اچ آي وي هغه ویروس دي چې د ایدز په وژونکې ناروغي بدلیږي، دغه ویروس په خپلو اغیزمنو بریدونو سره د بدن دفاع سیستم دومره کمزوري کوي چې ان ډیر کوچنۍ عفونیت د ناروغ ژوند له خطر سره مخامخ کوي. تر اوسه په نړۍ کې څه ناڅه ۲۸ ملیونه انسانان د ایدز په ناروغۍ له مینځه تللي دي. په داسي حال کې چې د اچ آي وي ویروس شل کاله مخکې پیژندل شوي تر اوسه ورته هیڅ اغیزمن واکسین او یا هم د درملنې امکانات نه دي پیدا شوي. یواځې داسې درمل ورته پیدا شوي دي چې په ایدز باندي د اخته کسانو د ژوند د اوږدوالي لامل ګرځې نه دپوره درملنې.

اچ، آي، وي دبدن په دفاعي سستم (Immundeticiency Virus Human) یعني هغه سستم باندي یرغل کوي چې د عفوني کیدو په وړاندي د بدن دفاع کوي. دغه ویروس د سي دي +۴ په نامه د وینې د سپینو ګلوبولونو په یو ځانګړي ډول باندي برید کوي دغه سلولونه متاثره کوي او خپل ژنونه هلته ورلیږدوي او له هغو څخه د زیاتو ویروسي ذراتو دتولید لپاره استفاده کوي.

دسي، دي مثبت ۴ هغه سلولونه چې د اچ، آي، وي ویروس لري بالآخره له مینځه ځي چې دله مینځه تللو بنه ئې لاتر اوسه د پوهانو لپاره مجهوله ده.

د سي، دي، مثبت ۴ سلولونو دشمیر په کموالي سره بدن له ناروغیو سره د مبارزي لپاره کمزوري کیږي او ګرار ګرار خطرناک حالت ته رسیږي.

له دي پړاو وروسته ناروغ په ایدز Acquired Immune Syndrome اخته کیږي. اچ، آي، وي درترو ویروس (Retrovirus) یو ډول دي که څه هم دغه ویروس د ارګانیزم د معمولي ویروسونو په نسبت ساده دي خو دله مینځه وړل ئې زیات ستونزمن کار دي، درترو ویروسونو ژنونه دسلولونو د (دي، ان، اي) دننه ځاي نیسي په دي ترتیب هرنوي سلول چې د ککړ سلول څخه تکثر کوي هرو مرو به ددغه ویروس ژنونه ولري.

دغه راز رترو ویروسونه خپل ژنونه ککړو سلولونوته کاپي کوي ددغه خصیصې په توام کیدو سره په اچ، آي، وي باندي اغیزه پریوځي او خپله بڼه بدلوي. سر بیره پردې هغه پوښ چې د اچ، آي، وي ویروس په کې ساتل شوي د بدن له سلولونو سره ورته والي لري او ددي سبب ګرځي چې د بدن دفاعي سستم ونه کولاي شي د ویروس ذرات له سالمو سلولونو څخه په سمه توګه تشخیص او بیل کړي.

څرنګه چې څه موده مخکې د ایدز دناروغۍ مخصوصه هفته ونمانځل شوه دهیواد دټولو خلکو هیله داده چې زموږ په هیواد کې دغه وژونکي رنځ د پراختیا دمخنیوي په خاطر هر ډول وقایوي تدبیرونه تر نظر لاندې ونیول شي او زموږ دعامې روغتیا وزارت ددغه رنځ د وقائې په خاطر له خپلو ټولو امکاناتو څخه کار واخلي او په ټول هیواد کې د اچ، آي، وي د ویروس دتشخیص په خاطر لابراتوارونه او خیرنخایونه جوړ کړي چې خداي ناخواسته زموږ دهیواد بې وزلي خلک له دغه راز طاغوتي مصیبت سره لاس او ګریوان نشي.

د زیارمل الکوزي ژباړه

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم — سال سوم — شمارهٔ ٣٤ — چهارشنبه ١٨ قوس ١٣٨٣ — ٢٦ شوال المکرم ١٤٢٥ — ٨ December ٢٠٠٤

حاجی دین محمد والی ننگرهار:

نیروهای ائتلاف باید مسؤولیت سمپاشی را بپذیرد

پس از آن که مواد زهری بر کشتزارهایی در مناطق شرقی کشور توسط طیارات از فضا پاشیده شد، بخشی از کشتزارهای سبزی جات وعلف زارها خشکید و بر صحت مردم تأثیرات سوء آن ظاهر گشت. این موضوع سبب شد تا مردم اعتراض خویش را به مقامات دولتی ابراز دارند. حامد کرزی رئیس دولت افغانستان هیأتی را موظف ساخت تا موضوع را بررسی نماید. هیأت پس از بررسی، پاشیدن مواد زهری و تأثیرات سوء آن بر محیط زیست را تأیید کرد.

جاوید لودین سخنگوی ریاست دولت روز سه شنبه گذشته ١٠ قوس در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که دواپاشی در ولسوالی های شینوار و خوگیانی خلاف خواست حکومت بوده وجداً آن را رد می کنیم.

لودین با اشاره به این که آقای حامد کرزی سفیر کشور بریتانیا وسایر مسؤولان خارجی در کابل را احضار کرده وموضع دولت را در قبال مبارزه با مواد مخدر واضح ساخته است، گفت: دولت افغانستان به هیچ صورت در این عمل دخالت نداشته و به هیچ کشور خارجی اجازهٔ پاشیدن مواد زهری را نداده است.

گفته می شود که مقامات امریکایی و بریتانیایی نیز هرگونه دخالت نیروهای خود در این قضیه را رد کرده اند.

زلمی خلیل زاد سفیر امریکا در افغانستان روز پنجشنبه گذشته گفت که امریکا در ولایت ننگرهار دوا پاشی از طریق هوا را انجام نداده است و در آن دست ندارد. وی گفت این کار شاید از طرف قاچاق بران صورت گرفته باشد تا از این طریق مردم را در برابر دولت ونیروهای ائتلاف بین المللی حساس گردانند.

آقای خلیل زاد گفت: امریکا می خواهد با اقدامات جدی در برابر تولید و قاچاق هیروئین در افغانستان عمل نماید، اما دوا پاشی از طرف نیروهای امریکایی صورت نگرفته است. ما تحقیق و بررسی جدی را در این زمینه آغاز کرده ایم.

اما آقای خلیل زاد این موضوع را واضح نساخت که چه نیرویی می تواند با استفاده از طیاره بر فراز این کشتزارها مواد زهری بریزد، در صورتی که چنین نیروها با چنین امکاناتی موجود باشند دولت ونیروهای بین المللی که برای تأمین امنیت در کشور تلاش می نمایند، چرا در جلوگیری از چنین عملی عاجز مانده اند؟

حاجی دین محمد والی ننگرهار در یک کنفرانس خبری مسؤولیت زهر پاشی برکشتزارهای تریاک را به دوش نیروهای ائتلاف انداخته است. وی گفت: حریم هوایی افغانستان زیر کنترل نیروهای ائتلاف بین المللی قرار دارد وهیچ هواپیمای خارجی نمی تواند بدون کسب موافقت آنها وارد این فضا شود. وی گفت: قوای ائتلاف باید مسؤولیت سم پاشی را بپذیرد.

احمد مسیح

وزارت خارجه و شورای علمای افغانستان:

اظهارات وزیر دفاع روسیه مداخله در امور داخلی کشور ما تلقی می گردد

سرگی ایوانوف وزیر دفاع روسیه هنگام مسافرتش به هند در پیرامون روند سیاسی در افغانستان ابراز نظر کرد، وتحولات سیاسی در این کشور را به مسائل قومی ربط داد و از وقوع یک جنگ قومی در افغانستان سخن گفت.

سخنان سرگی ایوانوف در ملاقات با وزیر دفاع هند یکبار دیگر خاطرهٔ دوران مداخلهٔ اتحاد شوروی در امور داخلی افغانستان را در اذهان زنده کرد. وزارت امور خارجهٔ افغانستان با نشر اعلامیه یی اظهارات وزیر دفاع فدراتیف روسیه را تعجب آور خوانده و آن را شدیداً رد نموده است.

در این اعلامیه تذکر رفته است که این اظهارات مداخلهٔ مستقیم و آشکار در امور داخلی افغانستان تلقی می گردد. توجیه پروسهٔ سیاسی افغانستان براساس قوم وملیت دور از واقعیت است.

وزارت خارجه باور دارد که همچو اظهارات موضع دولت فدراتیف روسیه را بیان نمی دارد.

شورای سراسری علمای افغانستان نیز عکس العمل خویش را در برابر این اظهارات با نشر اعلامیه یی ابراز داشته است.

در این اعلامیه گفته شده است فدراسیون روسیه که پس از سرنگونی اتحاد شوروی به میان آمد تا کنون سعی داشت تا وانمود سازد که راه متفاوت از راه سلف خویش را در پیش گرفته و وارث اتحاد شوروی سابق نیست. با همین ادعا، مسؤولیت تجاوز وجنایات اتحاد شوروی علیه افغانستان را پذیرا نبود. اما سخنان ایوانوف نشان می دهد که هنوز هم، حلقه هایی معلوم الحال در روسیه خواب دوران اتحاد شوروی را می بینند و از سیاست مداخله و تجاوز دست بر نداشته اند. ادعای شعله ور شدن یک جنگ قومی در افغانستان تصور واهی است که در ذهن ایوانوف وهمفکران وی وجود دارد.

هند و افغانستان باهم مناسبات دوستانه و دیرینه دارند چنین اظهارات در ملاقات با یک مقام دولت هند می تواند بر روند این مناسبات اثر منفی گذارد. شورای علمای افغانستان از مقامات دولت هند خواسته است تا در برابر چنین اظهارات موضع رسمی دولت خویش را بیان نمایند.

فیصل عبدالله

داوود فارانی چشم از جهان بست

داوود فارانی چهرهٔ درخشان ادب، فرهنگ ومطبوعات کشور روز دهم قوس داعی اجل را لبیک گفت. انا لله و انا الیه راجعون

مرگ داوود فارانی ادیب و ژورنالیست برجستهٔ کشور که آثار زیادی از خود به جا گذاشته است برای مردم و کشور ما ضایعه یی بزرگ می باشد.

داوود فارانی درسال های اخیر حکومت سردار محمد داوود مهاجر پیش شد و سال های زیاد عمر خود را در خارج از وطن گذراند. وی دو سال از امریکا به وطن برگشت و به حیث ترجمان زبان انگلیسی وظیفه اجرا می نمود.

یاد و خاطرهٔ این چهرهٔ تابناک فرهنگ ومطبوعات کشور از ورای آثار و فرآورده های ادبی وهنری اش همیشه زنده خواهد ماند.

طالبان درخواست زلمی خلیل زاد را ...

رئیس جمهور پاکستان انجام داد روی مبارزهٔ پیگیر علیه تروریزم وبرچیدن لانه های تروریست ها از نقاط سرحدی آن کشور تأکید نمود.

سخنگوی طالبان این درخواست آقای خلیل زاد را رد کرد، و گفت که طالبان به حملات خود علیه نیرو های خارجی در افغانستان ومتحدان افغانستانی آنان ادامه خواهند داد.

در عین حال روزنامهٔ واشنگتن پوست به نقل از منابع نظامی امریکا در افغانستان نوشته است که قرار است بعد از اجرای مراسم تحلیف حامد کرزی، این نیروها حملات وسیعی را علیه بقایای گروه طالبان و وابستگان سازمان القاعده سازمان دهی کنند. روزنامه دلیل راه اندازی این حملات را برگزاری انتخابات پارلمانی در افغانستان خوانده است.

جانبازان جهاد نیازمند توجه جدی ترند

احمد جاهد

روز جهانی حمایت از (معلولان و معیوبان) را پشت سرنهادیم. مقداری شعارشنیدیم و مقاله خواندیم و بس. آیا با همین مقدار یادآوری وجدان ما راحت شد؟

نخست از همه باید به این مسأله پرداخت که ما حتی در انتخاب واژه یی که باید این عزیزان را به آن خطاب نمائیم نیز توجه نکردیم واژه هایی چون معیوب و معلول اصطلاحاتی است که امروز بیشتر از طرف اطبا استعمال می شود. سازمان های کمک به این گروه افراد در کشور های غربی نیز سعی دارند تا از نامیدن این افراد به معیوب یا معلول خودداری ورزند. اطلاق چنین نام ها بر این گروه اشخاص می تواند از نظر روانی برای آنان رنج آور باشد.

به همین علت نامهای دیگری از جمله (افراد استثنایی) در مورد این گونه افراد مورد استعمال بیشتر دارد.

ما در کشور خویش صدها هزار از این افراد استثنایی داریم که نباید آنها را معلول ومعیوب نامید. اکثر این افراد کسانی اند که بخشی از اعضای خویش را در راه دفاع از آزادی و استقلال کشور از دست داده اند. در ایران در مورد کسانی که در جریان حوادث انقلاب ودفاع از آن و در جنگ با عراق معیوب و معلول شدند واژهٔ جانبازان استعمال می شود. این اصطلاح باری از قدرشناسی را در خود نهفته دارد. کسانی که در راه یک هدف میهنی و مقدس دست به ایثار زدند.

در کشور ما وزارتی به نام وزارت شهدا و معلولین وجود دارد و همچنان تشکیلاتی هم به نام کمک به معیوبان داریم که صرف نظر از این که این نهادها تا چه حدی در کار خود موفق بوده اند حتی انتخاب نام این نهادها نیز نیازمند تجدید نظر است.

وقتی ما کسی را معلول و معیوب می نامیم به این معنی است که وی علیل و ناتوان بوده فاقد توانایی لازم برای کارکردن است و به همین دلیل نیازمند دلسوزی و مراقبت دیگران می باشد. در حالی که این صفت برای همه قابل تعمیم نیست. کسانی که به خاطر دفاع از کشور شان قیام کردند و در این راه مجروح شدند، حق بزرگی بردوش کشور و جامعه دارند. دولت و جامعه نباید به آنان به چشم کسانی که نیازمند دلسوزیند بلکه به عنوان افرادی که حق بزرگی بر گردن جامعه و کشور دارند بنگرند.

تا کنون نظر به جنگ و نابه سامانی های پس از سرنگونی رژیم کمونیستی در افغانستان، دولت توجه لازم به وضع این عزیزان نداشته است. تنها کاری در خور ذکر که تاکنون صورت گرفته است اختصاص دادن تعدادی از نمرات زمین در کابل جهت آباد کردن منازل مسکونی به جانبازان بوده است. امید این است که این گونه اقدامات در همین حد و تنها به کابل محدود نباشد. جانبازان در همه ولایات کشور موجودند و باید اقدامات مشابه در همه ولایات روی دست گرفته شود.

شایعاتی برسرزبان هاست که وزارت شهدا و معلولین از لیست کابینهٔ جدید حذف شده است. تشکیل کوچک و یا بزرگ به تنهایی مشکلی را حل نمی کند مهم این است که در ترکیب یک تشکیل چه امکاناتی برای کار و عمل موجود است. از آنجایی که در هر صورت دولت باید به حال این قشر ایثارگر کشور ما توجه داشته باشد، در هر تشکیل جدیدی که در رابطه به حل مشکلات جانبازان به وجود می آید باید حل مشکلات بنیادی آنان مانند مسکن و کار در صدر اولویت ها قرار گیرد و این کار باید تحت نظارت مستقیم نمایندگان جانبازان باشد.

امید است دولت اسلامی افغانستان به وضع جانبازان کشور توجه جدی تر از قبل مبذول دارد و جانبازان که شهدای زندهٔ دوران جهاد ند، زندگی بهتر داشته باشند.

و نیز افرادی که به گونهٔ ما در زاد فاقد توانایی کامل انسانی به دنیا آمده ویادر اثر حوادث طبیعی در زندگی توانایی های شان صدمه دیده است از چنین توجه های مادی و معنوی دولت و جامعه باید بهره مند باشند.